



ها برای این رفتار شان، انتقال تجارب شان به عروسی یا داماد است اما یک موقعیت دیگر هم وجود دارد که خواسته یا ناخواسته، مادر بزرگ و پدر بزرگ، جای والدین را به عنوان مسئول اصلی تربیت فرزندان می گیرند. آن هم موقعیتی است که زن و شوهر آن قدر درگیر اختلافات خود هستند که دیگر توان و مجالی برای پرداختن به فرزندان شان نمی بینند. در این حالت است که والدین خود را کنار می کشند یا کنار می روند و مادر بزرگ و پدر بزرگ امور تربیتی فرزندان را به دست می گیرند. در حادثه ذکر شده، قاتل به این مسئله اذعان داشته که والدین همسرش در تربیت فرزندان آن ها دخالت می کرده اند. دخالت دیگران در امور خانوادگی یک زن و شوهر اصلا پذیرفتنی نیست اما باید این سوال را هم از خود می پرسید که چرا شریبطی را ایجاد کرده که این دیگران احساس کنند می توانند بر خلاف میل او به مسائل خانوادگی و شخصی اش ورود کنند؟ به طور کلی وقتی اختلافات عیان می شوند، ما از کمک های حرفه ای برای حل مشکلات زندگی مشترک استفاده نمی کنیم و آن قدر مهارت نداریم که حریم و مرز خانواده را در برابر دیگران حفظ کنیم بنابراین کاملا طبیعی است که این دیگران حتی با نیت های دلسوزانه به حریم ما ورود کنند و شکایت بعدی ما از این دخالت ها، هیچ جایگاه و توجیهی نخواهد داشت.

### ۴ توصیه به زوج ها به بهانه این اتفاق دردناک

۳ نظرات و راهنمایی های دیگران را بشنویم ضمن تشکر از آن ها گوشزد کنید که سیاست تربیتی شما و

همسر تان یک توافق بین هر دوی شماست و نظرات آن ها را اگر مفید باشد، حتما به کار خواهید بست. در این بین، احترام پدر بزرگ و مادر بزرگ ها باید حفظ شود.

فرزندان پدر و مادر می خواهند، همخانه ای با سن و سال بالاتر نیاز ندارند. بنابراین پدر و مادر باشید و نه همخانه بزرگ تر.

۱ با توجه به مسائل مطرح شده در این مطلب، ضروری می دانم که به همه زن و شوهر ها چند نکته مهم را یادآوری کنم.

۲ رابطه خود با همسر مان را مورد بررسی و موشکافی قرار دهیم. اگر نیاز به باز سازی دار، با کمک یک مشاور خانواده حرفه ای این کار را انجام دهیم. نقاط ضعف ها را حل و نقاط قوت را تقویت کنیم.

۳ فرزندان را محرم اسرار و ناگفته های زندگی مشترک مان ندانیم. آن ها تحمل وظرفیت تحلیل برخی مسائل را ندارند.

نگاهی روان شناسانه به انگیزه های بوکسور معروف برای قتل ۲ دخترش و پدر و مادر همسرش

# عاقبت فرار از پذیرفتن نقش خود در تربیت فرزند

#### چند مسئله قابل تامل در باره اظهارات قاتل

در حادثه رخ داده که شرح آن گذشت، چند مسئله وجود دارد. اختلافات قاتل با همسرش، اختلافاتی که با خانواده همسرش داشته و سطح پایین تفکر منطقی و قضاوت اخلاقی رشد نایافته. به اعتقاد من، دلخراش ترین قسمت این ماجرای ناراحت کننده، قتل فرزندانش بوده است تنها به بهانه این که آن ها در آینده موجب دردسر و مشکلات برای دیگران نشوند. بنابراین نگاهم را به این سمت می برم که آیا اصلا در تربیت فرزندان اجازه بدیم دیگران هم اعمال نظر کنند یا خیر؟ میزان تاثیرپذیری دیگران در تربیت فرزندان ما چه قدر است؟ و برای این که ذهنیت خوبی درباره تربیت فرزندان مان داشته باشیم، چه نکاتی را باید رعایت کنیم؟ البته به نظر می رسد که این ماجرا ابعاد دیگری هم داشته باشد و قاتل در حالت عادی، دست به این کار نزده باشد. با این حال، ماقط بر اساس اطلاعات رسمی منتشر شده تا این لحظه، نگاهی روان شناسانه به این ماجرا خواهیم داشت.

#### قاتلی که منکر نقش خودش در تربیت فرزنداننش شد

معمولا این سوال وجود دارد که مسئول اصلی تربیت فرزندان چه کسی است؟ پاسخ ها هم همیشه متنوع هستند. برخی پدر را مسئول می دانند و استناد آن ها به این است که پدر مرجع قدرت در خانواده است و به همین دلیل مسئول اصلی تربیت فرزندان است. گروهی دیگر به معتقدند که مادران به دلیل این که وقت بیشتری برای فرزندان می گذارند، مسئول اصلی در تربیت آن ها به شمار می روند. طبق نظر تمام متخصصان و صاحب نظران در امر تربیت فرزند، مسئول اصلی هر دوی والدین هستند و انتساب مسئولیت تربیت به یکی از دو طرف کاملا نادرست و اشتباه است چرا که والدین در کنار هم، با اتخاذ سیاست های تربیتی می توانند در جهت رشد سالم یا ناسالم فرزندان حرکت کنند. به عبارت دیگر اگر والدین به این مسئله واقف باشند که تربیت فرزند حاصل کنش های متقابل و موازی آن ها در قبال خودشان و فرزندان است، درک این موضوع که هر دوی آن ها مسئول تربیت فرزندان هستند چندان سخت نیست. این دقیقا نکته ای است که قاتل به دلیل سطح پایین تفکر منطقی در اعترافش به آن اشاره کرده است.

#### نوشتن کژ رفتاری های فرزند به پای دیگران

با این توضیحات چه اتفاقی می افتد که گاهی اوقات زن یا شوهر مسئولیت تربیت را از خود سلب می کند و کژ رفتاری



جواد غفوری نسب | کارشناس ارشد مشاوره خانواده

#### تحلیل حوادث

«قتل فجیع در پایتخت، ۴ نفر قربانی جنون بوکسور تهرانی شُددند»، «جنایت هولناک مرد بوکسور»، «بوکسور معروفی که ۲ دخترش و پدر و مادر همسرش را کشت»، و ... این تیترها مربوط به یکی از پر بازدیدترین و داغ ترین خبرها در سایتها و شبکه های اجتماعی طی وروز گذشته است. در ادامه این مطلب، به انگیزه های ادعا شده توسط قاتل برای این ماجرا و واکاوی روان شناسانه آن می پردازیم.



#### قاتل: نمی خواستم دخترانم مانند مادر شان شوند!

اصل خبر این است که فردی ۴۷ ساله در یک جنایت فجیع، دو دخترش که یکی ۱۹ ساله و دانشجوی رشته حقوق و دیگری ۱۷ ساله بوده و پدر و مادر همسرش را می کشد و پس از دستگیری درباره انگیزه هایش برای ارتکاب به این قتل ها در بازجویی های پلیس اظهار می کند که مدت ۲۵ سال است که به صورت حرفه ای ورزشکار است و در رشته بوکس فعالیت دارد. در ادامه متهم، دلیل کشتن دختران و پدر و مادر همسرش را مسائل و اختلافات خانوادگی بیان کرده است. این فرد در اعتراضات خود مدعی شد که پدر و مادر همسرش نقش زیادی در مشکلات خانوادگی آن ها داشته اند. همچنین وی با بیان این که می خواسته تا دخترانش مانند مادر شان نشوند و در آینده زندگی افراد دیگر را بر هم نزنند، اقدام به کشتن آن ها کرده است. شایان ذکر است که همسر این فرد نیز حدود یک هفته ای به دلیل اختلافات در خانه خود حضور نداشته و به منزل برادرش که در کرج بوده، رفته است. (منبع خبر: ایسنا)

## به شدت از دست زدن به گچ بدم می آید

پسری ۱۲ ساله ام، به شدت از دست زدن به گچ بدم می آید ولی گاهی مجبورم پای تخته در کلاس درس، با گچ بنویسم. با خاک هم مشکل دارم و اگر دستم خاکی شود، سریع باید آن را بشویم و کر نه حالم بد می شود. چه کنم؟

#### مشاوره فردی

مخاطب گرامی، قبل از توضیح این که شما باید چه کنید باید به اختلاالی که به احتمال زیاد دچارش شده اید اشاره کنم و اطلاعاتی در باره اش به شما بدهم تا بهتر این مشکل تان را بشناسید. وسواس یک اختلال فکری و عملی است که بر اثر اضطراب در افراد به وجود می آید. وسواس در واقع، فکر یا تصویری است که با وجود اراده انسان، به ذهن فرد هجوم می آورد، سازمان روانی فرد را تحت تسلط خود قرار می دهد و باعث ایجاد اضطراب گسترده در فرد می شود. به عبارت دیگر یکی از دلایل بروز وسواس اضطراب است و افکار و اعمال وسواسی در نهایت باعث تشدید همان اضطراب می شوند.

انجام رفتار هایی که لذت بخش نیستند در وسواس های فکری، افکار وسواسی لذت بخش نیستند یا بر اساس اراده فرد به وجود نمی آیند. این افکار مزاحم و ناخواسته اند و در اغلب افراد، موجب ناراحتی یا اضطراب محسوس می شوند. در این مواقع، فرد می کوشد این وسواس های فکری را نادیده بگیرد یا متوقف کند یا آن ها را با فکر یا عمل دیگر بی اثر سازد. در وسواس عملی، فرد خود را مجبور به انجام دادن رفتار های تکراری مثل دست شستن یا واریسی کردن یا اعمال ذهنی مثل دعا کردن یا شمردن در پاسخ به وسواس فکری یا بر طبق آدابی، می کند.

وسواس های عملی برای لذت انجام نمی شوند، هر چند که برخی افراد احساس می کنند از اضطراب یا ناراحتی رهایی یافته اند.

## چون بیکارم نمی توانم به خانواده بگویم که عاشق شدم!

پسری ۳۰ ساله ام، به مدت چهار سال با دختری آشنا و سه سال از او بزرگ تر بودم. او رشته اش پزشکی بود و من مهندسی می خواندم. وقتی درسم تمام شد، دنبال کار گشتم اما پیدا نکردم. به همین دلیل این موضوع را با خانواده ام مطرح نکردم که دختری را دوست دارم و عاشق اش هستم. او بعد از گذراندن دوره طرح خود مشغول به کار شد و وقتی دید که من بیکارم از من زده شد. الان سه سال است که نمی بینمش اما مدام به یادش هستم و ناالان هم کار پیدا نکردم و ام به همین دلیل نمی توانم با خانواده ام در باره اش حرف بزنم. لطفا راهنمای ام کنید.



حسین معزایی | دانشجوی دکتری ای روان شناسی

#### مشاوره ازدواج

برادر گرامی، از این که مخاطب ما هستید خوشحالیم و در ادامه نکاتی را برای کمک به شما خدمت تان عرض می کنیم که مشکل گشای شما خواهد بود.

خودتان را در ۳۰ سالگی پیدا کنید در این مرحله سنی که شما قرار دارید، انتظاری می رود که تقریبا چشم انداز آینده شغلی و زندگی خود را ترسیم کرده باشید ولی از آن جا که هنوز در باره مولفه های مهم زندگی تان که انتخاب شغل و همسر هست، دچار تردید و ناتوانی شده اید، می تواند حاکی از نداشتن شناخت کافی شما از خودتان باشد. همان طور که می دانید شناخت همه جانبه لازمه هر تصمیم و اقدام است بنابراین در قدم اول لازم است خودتان را از جنبه های مختلف خلق و خو و روحیات درونی، توانمندی ها و استعدادها، شرایط جامعه و ... بهتر بشناسید و سپس اقدام به کسب شناخت از دیگران و جامعه کنید. توجه داشته باشید که خودشناسی زیربنای سایر شناخت هاست.

معیار های شغلی خود را با بینی کنید به طور طبیعی وقتی شما بایک رویکرد مشخص چند سال است که به دنبال شغل مناسب هستید و موفق نشده اید، می طلبد که معیارها، انتظارات و برخی دیگر از مولفه های مربوط به انتخاب شغل را در خودتان تغییر داده و با رویکرد جدید مبتنی بر واقع بینی ادامه دهید. توجه داشته باشید که گذشت زمان بیشتر از این به نفع شما نیست بنابراین سعی کنید به خودتان بیابید و بر اساس واقعیت های امروزی و جامعه و شرایط فعلی خودتان مبادرت به انتخاب شغل کنید. باز هم به شما یادآوری می کنم که مدیریت زمان را بیش از گذشته جدی بگیرید.

